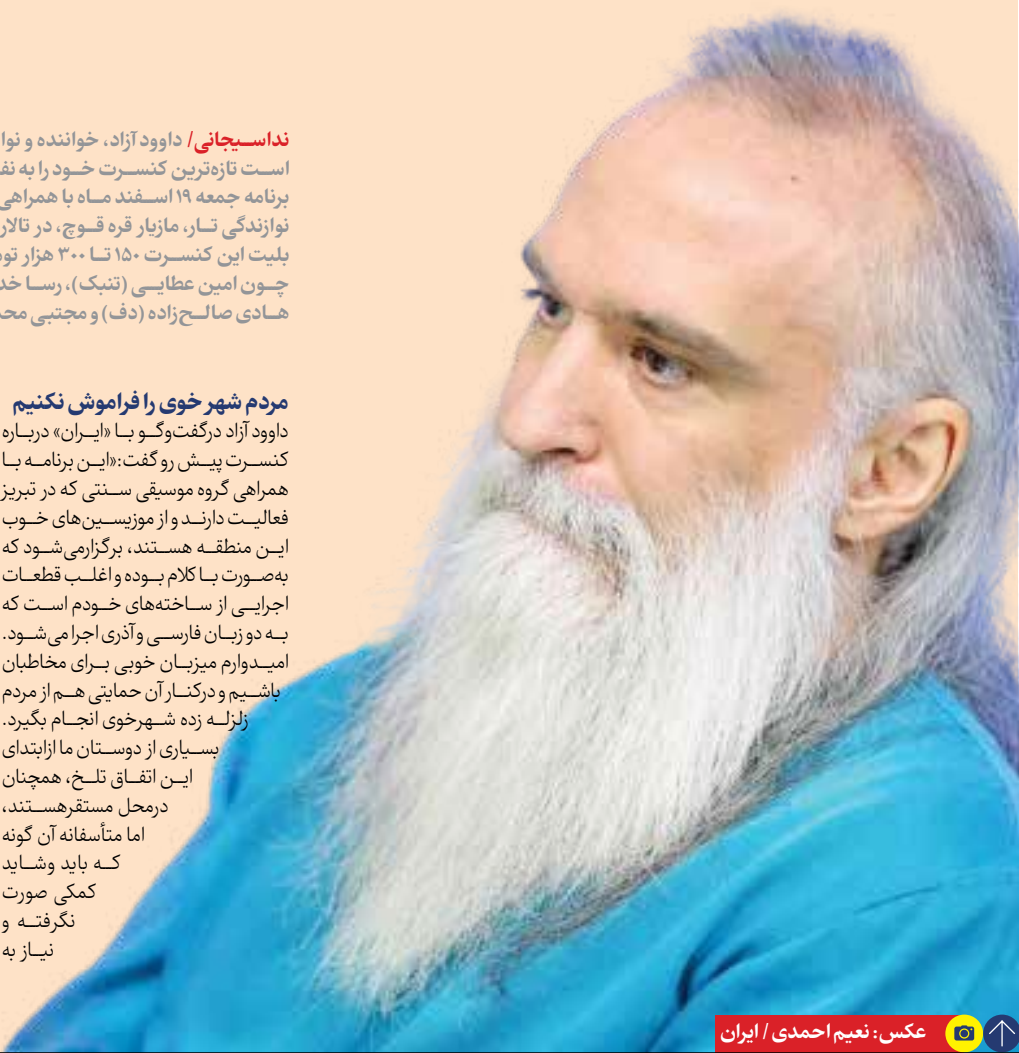


گفت‌وگویی «ایران» با داوود آزاد، خواننده و نوازنده دربارۀ کنسرت تازه‌اش

سازها برای خوی نواخته می‌شود



عکس: نعیم احمدی / ایران

نداسیجانی / داوود آزاد، خواننده و نوازنده شناخته‌شده موسیقی ایران، قرار است تازه‌ترین کنسرت خود را به نفع زلزله‌زدگان شهر خوی برگزار کند. این برنامه جمعه ۱۹ اسفند ماه با همراهی گروه موسیقی «هامون» و به سرپرستی و نوازندگی تار، مازنار قره قوچ، در تالار پتروشیمی تبریز اجرا خواهد شد. قیمت بلیت این کنسرت ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان تعیین شده با هنرنمایی نوازندگانی چون امین عطایی (تنبک)، رسا خداویردیلو (کمانچه)، امید محرم‌زاده (نی)، هادی صالح‌زاده (دف) و محبتی محمدزاده (تاربابا).

مردم شهر خوی را فراموش نکنیم
داوود آزاد درگفت‌وگویی با «ایران» درباره کنسرت پیش رو گفت: «این برنامه با همراهی گروه موسیقی سنتی که در تبریز فعالیت دارند و از موزیسین‌های خوب این منطقه هستند، برگزاری می‌شود که به‌صورت با کلام بوده و اغلب قطعات اجرایی از ساخته‌های خودم است که به دو زبان فارسی و آذری اجرا می‌شود. امیدوارم میزبان خوبی برای مخاطبان باشم و درکنار آن حمایتی هم از مردم زلزله زده شهرخوی انجام بگیرد. بسیاری از دوستان ما از ابتدای این اتفاق تلخ، همچنان درحالت مستقر هستند، اما متأسفانه آن گونه که باید و شاید کمکی صورت نگرفته و نیاز به

حمایت‌های بیشتری از سوی مسئولان و مردم است. تلاش ما این است که علاوه بر اختصاص عواید فروش بلیت کنسرت به مردم خوی، در آنجا دستگاه‌های کارخون هم تعبیه شود تا اگر عزیز، علاقه‌مند به حمایت مالی بیشتری بود این اتفاق صورت بگیرد. البته برنامه‌های دیگری هم تدارک دیده شده که در روز کنسرت اعلام می‌شود.»
داوود آزاد از جمله هنرمندانی است که طی سال‌ها فعالیتش در این عرصه تلاش کرده همواره در کنار مردم باشد و در این زمینه کنسرت‌های متفاوتی برگزار کرده. به‌عنوان مثال هم‌راه سال ۹۵، به پیشنهاد زندان دستگرد اصفهان، برای زندانیان این شهر اجرای برنامه داشت و این بار در کنار مردم خوی آوازخوانی می‌کند. او درباره همراهی و همدلی هنرمندان با مردم و نقش هنر و هنرمند در جامعه بیان داشت: «بی تردید هنرمند نقش بسیار اثرگذاری در جامعه دارد؛ به‌عنوان مثال در کنسرت پیش رو، شاید به لحاظ مالی نتوانیم کمک

چشمگیری داشته باشیم، اما به‌عنوان یک هنرمند می‌توان این موضوع را پررنگ تر نشان داد و در کنار آن بار دیگر به مردم یادآور شد، مردم زلزله‌زده شهر خوی همچنان در شرایط سخت به سر می‌برند و در چادر زندگی می‌کنند و نیاز به همدلی و همراهی بیشتری است. نکته دیگر اینکه، مردم نسبت به هنرمندان پذیرش بهتر و بیشتری دارند و بر این اساس هنر در اتفاقات خوب یا بد جامعه نقش بزرگی ایفا می‌کند.»

هنرمندان را به درستی قضاوت کنیم

او در ادامه با اشاره به تعطیلی کنسرت‌های موسیقی در ماه‌های گذشته افزود: «هنرمند الگویی جامعه است و به همین نسبت هم رسالت بزرگی برعهده دارد تا بتواند نقش خود را به‌درستی در جامعه ایفا کند و اثرگذاری مثبتی داشته باشد و در مقابل مردم هم انتظارش از او دارند. اما این توقع یا انتظار که قشرهای مختلف به فعالیت کاری خود بپردازند اما هنرمند فعالیت نداشته باشد، به نظر دور از انصاف است. قشر وسیعی از موزیسین‌های ما، تنها حرفه‌شان موسیقی است و در مدت زمانی که کنسرت‌های موسیقی یا کلاس‌های آموزشی تعطیل بودند، هیچ درآمدی نداشتند و امرار معاش آنها دچار مشکل شده بود. حتی برخی از این دوستان مجبور به فروش سازهایشان شدند. اما انسانی‌تر دیگر فراموش نکنیم، هنرمند باید کنار مردم باشد، چرا که این مردم هستند که به هنر او بها می‌دهند و معتقد یک موزیسین هرچه دارد از مردمش است.»
این آهنگساز بار دیگر تأکید کرد: «در جامعه شرقی به‌ویژه در کشور ما، رفتار و کردار و منش یک هنرمند و به‌ویژه یک موزیسین در داد و نداشتن، در رابطه با مسائل اجتماعی و واکنش او به اتفاقاتی از این دست که در جامعه رخ می‌دهد، می‌تواند الگویی برای جوان‌ها و مردم باشد، به شرط آنکه به‌درستی قضاوت شود. البته در برخی

موارد شاهد قضاوت‌ها و ارزیابی‌های نادرستی هم بوده‌ایم.»

آلبومی متفاوت در راه است

آلبومهای «مکتب تار تبریز» یادواره بیگجه خانی، «آی ایشیقی» قطعات آذری با تار ایرانی، «در بهار امید» تصنیف‌نوازی سنتی، «به یاد هرمزی» یادواره سعید هرمزی، «دیوان شمس و باخ» و «هست از او»، «طرب»، «بی نشان»، «سفر»، «دست نشان» از آثار داوود آزاد است. او درباره فعالیت‌هایش در ماه‌های گذشته گفت: «ماه قبل جشنواره‌ای در «باهاما» برگزار شد که در قالب این برنامه کنسرتی برگزار کردیم که همه مخاطبان آن خارجی بودند. همچنین قرار است آلبومی منتشر کنم که یک کار متفاوت بوده و با استفاده از موسیقی سرخ پوست‌های آمریکا است از خود آن موسیقی مجوز آن هستیم. این آلبوم سال‌ها قبل در نیویورک ضبط شده و تصمیم داشتیم قبل از پاندمی کرونا، منتشر کنیم اما شرایط مهیا نشد و مجدداً برای دریافت مجوز، آثار را ارسال کردیم.» او در ادامه درباره ایده شکل‌گیری این اثر بیان داشت: «سال‌ها قبل به کنفرانسی عرفانی در آمریکا دعوت شدم و اسنادانی از حوزه عرفان سخنران این برنامه بودند. هیچ درآمدی نداشتند و امرار معاش دوستان‌های آمریکا نیز شرکت داشت و این آشنایی شکل گرفت و بعد از آن دیدار به استودیویی در نیویورک رفتیم و بدون هیچ آمادگی قبلی، بداهه نوازیم کردیم و من عود و تنبور و دف نواختم و آن دوست عزیز ساز بادی سرخ پوستی را، البته در کنار آن نوازندگان گیتار و گیتار باس هم حضور داشتند و تمامی کار به‌صورت بداهه نواخته شده با کلامی از اشعار حضرت مولانا شمس مغربی. در کنار آن آواهای کردی و عربی هم شنیده می‌شود که در بخش موسیقی کردی، خانم ژیاور شیخ الاسلامی، لالایی‌های کردی را می‌خواند و نخستین بار است که شاهد چنین تلفیق موسیقی در موسیقی ایرانی

هستم. جالب است بدانید برخی از ملودی‌های سرخ‌پوستان، شباهت اندکی با گوشه‌های دیلمان و دشتی موسیقی ایرانی دارد.»

درنمایه موسیقی در تلفیق‌های امروزی شنیده نمی‌شود

داوود آزاد درباره تلفیق‌هایی که طی یکی- دو دهه اخیر بیشتر در موسیقی ایرانی دیده و شنیده می‌شود و اثرگذاری آن در معرفی بیشتر این موسیقی بیان داشت: «اغلب تلفیق‌هایی که به گوش می‌رسد، همراهی کردن دو نوع موسیقی در کنار یکدیگر است. یعنی هم‌نشینی و هم‌نوازی یک ساز غربی در کنار ساز ایرانی، اما درنمایه موسیقی‌ای با یکدیگر آمیخته نمی‌شود و حتی در برخی موارد یک موسیقی دنباله روی موسیقی دیگر بوده و هویتی از خود آن موسیقی شنیده نمی‌شود. البته در نوع خود زیباست و ایرادی بر این شیوه اجرایی نیست اما تعریف درستی از موسیقی تلفیقی نمی‌شویم و شیوه صحیح آن به معنای تنیده شدن دو نوع موسیقی در دل یکدیگر است برای رسیدن به یک اتحاد و وحدت وجود با دو نوع موسیقی متفاوت و این شیوه خلق یک تلفیق درست است. به‌طور کلی موسیقی تلفیقی یا فیوژن در حال حاضر در تمام دنیا متداول است و بی تردید این شیوه موسیقی در شناساندن موسیقی ایرانی به دنیا نقش مهمی دارد و می‌تواند موسیقی ما را به جای و جایگاهی ببرد که نرفته و دیده نشده است.» این هنرمند بعد از حدود ۱۲-۱۳ سال دوری از فضای آموزش و تدریس، مجدداً آموزش تار و سه‌تار را آغاز کرده که به گفته خودش با استقبال خوبی همراه بوده و در این باره گفت: «قرار است ورک شاپ و مستر کلاس‌هایی هم در شهرستان‌های مختلف ایران مانند شیراز و تبریز برگزار کنم. فضای آموزش موسیقی بسیار خوب و امیدوار کننده است و می‌توان چشم‌انداز خوبی به آینده موسیقی ایران و تک نوازی تار و سه تار داشت.»



بریدن مردم بی‌گناه را سر می‌دادند. حالا اما حول ماجرای حمله شیمیایی به مردم، دیگر فرصتی برای استراحت افکار عمومی و تشخیص آدم‌های خوب و بد قضا باقی نگذاشته بود. رسانه‌های جریان اصلی به صورت مداوم در این آتش‌پراز دود می‌دمینند درحالی که تنها دو سال بعد گزارش‌های متعددی در حضور ناظران بی‌طرف بین‌المللی اثبات کرد که مردم سوریه بازنگر ناخوابسته محنه هراس افکنی آمریکا و اروپا در یک بازی سیاسی- رسانه‌ای شده بودند؛ بازی که به

قیمت پیشرفت داعش در غرب آسیا، تقویت پایگاه‌های نظامی آمریکا و ناتو در منطقه به بهانه بازگرداندن نظم و دموکراسی، چند دهه نامنی و جنگ داخلی هولناک و هزینه‌های گزاف جانی و مالی برای مردم منطقه خصوصاً سوریه شد. آنها همه چیز یک نمایش بی‌نقص را تدارک دیده بودند. از سناریو و ضدقهرمان و قهرمان گرفته تا ابزار صحنه و تجهیزات فیلمبرداری و حتی گزاهای شیمیایی، اما مستند «کلاه‌سفیدها» باقی ماند تا تاریخ تماشاگر آن باشد.

جناب آقای مهندس حسن جباری

درگذشت پدر بزرگوارتان را به خاندان محترم تسلیت عرض می‌نماییم.

کارکنان و هیأت‌مدیره مشاور پل رود

عزادت گل را حلاله کویم

باید اید و قدرت و عافیت گل‌بای همیشه بنابر برای مجالس ترحیم می‌ماند راز رنج و پریشانی برنایم.

موسسه خیریه حضرت خاتمه زهرا

شماره ثبت ۸۲۹۸ تأسیس ۱۳۸۸

دفتر مرکزی میدان نیلوران: ۲-۲۸۲۳۳۳۷۱-۲

سفارش تاج گل ۰۲۰۱-۲۳۳۳۳۳۷۱ همراه ۰۹۱۲-۲۳۳۳۳۳۷۱

حساب سپه‌ساز: ۰۳۳۳۳۳۷۸۰۸-۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳ شماره پیام ۰۲۰۰-۲۳۳۳۳۳۳۳۷۱

www.Fatemehzahra.org

داعشی‌هایی که با نمایش حمله شیمیایی دولت سوریه به مردمش، خود را سفید می‌کردند

«کلاه‌سفیدها» پروپاگانداي امریکایی در خدمت تروریسم

گزارش

فاطمه کارنوشند

روزنامه‌نگار

چند روزی است که رسانه‌های فارسی‌زبان غربی برای بازتاب اخبار مسمومیت دانش‌آموزان ایرانی از کلیدواژه «حمله شیمیایی» استفاده می‌کنند. کلیدواژه‌ای که در تجربه متلاشی شدن سوریه و نمایش «کلاه‌سفیدها» نقش محوری داشت. ه‌سال پیش، حوالی همین روزها، روی سن مراسم اسکار مستند «کلاه‌سفیدها» را به‌عنوان برنده معرفی کردند، هنوز به این اندازه درباره کلاه‌سفیدها اطلاعات آشکار به دست نیاخته بود. آن روزها فقط مردم سوریه می‌دانستند که بین کلاه‌سفیدهای انسان‌دوست و فداکاری که در پروپاگانداي امریکایی اروپایی می‌بینند، با کلاه‌سفیدهای واقعی که در بیمارستان‌های سوریه فقط به سربازان داعش خدمات می‌دهند، چقدر فرق است؛ مرکز آشنی روسیه در سوریه از اوایل سال ۹۷ با انتشار اخبار از طرح برزی یک برنامه رسانه‌ای برای صحنه‌سازی حمله شیمیایی خبر داد. شورپیرو همان سال رسانه‌ها گزارش دادند «ساکنان ادلب می‌گویند ساخت نمایش حمله شیمیایی دروغین توسط کلاه‌سفیدها آغاز شده و قرار است ادعا شود ارتش سوریه از سلاح‌های شیمیایی در حملات خود استفاده کرده است.» این بازی به سرعت رسانه‌های جریان اصلی را لبریز کرد تا یکی از موفق‌ترین پروژه‌های پروپاگانداي غرب در تاریخ ثبت شود.

اسکاری که تروریسم سیاه را سفید کرد

به‌رغم حجم بالای تولید محتوا و پررنگ کردن آنها در سبتهایی نظیر آکادمی اسکار، گزارش‌ها بر آن بودند که سناریوی حملات شیمیایی در سوریه به این شکل است که کلاه‌سفیدها پس از استفاده ادعایی ارتش سوریه از نیشه‌های انفجاری حامل مواد سمی، به غیر نظامیان کمک می‌کنند و از این نمایش فیلم تهیه می‌شود، اما این تروریست‌ها بودند که اقدام به انتقال دو بسته حامل مواد سمی از جمله «کلر» از شهر خربه الجوز به شهر جسر الشغور کرده و قرار بود تیم فیلمبرداری وابسته به کانال‌های تلویزیونی خاورمیانه و شاخه منطقه‌ای یکی از کانال‌های خبری آمریکا در این شهر برای فیلمبرداری از این نمایش این اقدامات نشان می‌داد کارگردان‌های غربی این نمایش را حتی پیش از آنکه لازم بود جدی گرفته بودند. سرهنگ ولادیمیر

ساوچنکو، سخنگوی مرکز آشنی روسیه در سوریه، چند روز قبل طی بیانیه‌ای اعلام کرده بود مخازن پر از گاز کلر توسط تروریست‌های گروه «هیأت تحریر الشام» (جبهه‌النصره سابق) به این روستا منتقل شده و نقش اصلی این نمایش هولناک هم به کلاه‌سفیدها سپرده شده بود. به گزارش راشاتودی، مسکو بارها هشدار داده بود که کلاه‌سفیدها به همراه تروریست‌های احرار الشام قصد دارند یک حمله شیمیایی ساختگی در ادلب سوریه به راه بیندازند که مسئولیت فیلمبرداری از صحنه‌های این حمله ساختگی بر عهده نمایندگان کلاه‌سفیدهایی است که به منطقه اعزام شده‌اند. درحالی که پیش از آغاز این نمایش، وزارت دفاع روسیه هشدار داده بود اقدامات تحریک‌آمیزی با استفاده از سلاح شیمیایی در سوریه در حال انجام است تا بهانه‌ای برای آمریکا، انگلیس و فرانسه برای حمله مجدد به تأسیسات دولت سوریه باشد. آمریکا اما با تکذیب‌های مداوم تلاش

درباره نسخه جدید سینمایی «در جبهه غرب خبری نیست» کاندیدای ۹ جایزه «اسکار ۲۰۲۳»

انجا که عدالت رنگ می‌بازد

سینمای جهان

وصال روحانی

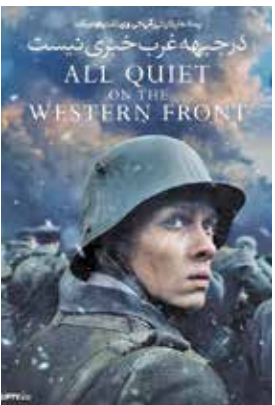
روزنامه‌نگار

فیلم جدید «در جبهه غرب خبری نیست» که البته بر اساس رمانی قدیمی و معروف ساخته شده، پس از تحسین شدن در برخی مجامع سینمایی و کسب جوایزی در اینچا و آنجا مورد توجه عمیق آکادمی علوم سینمایی و هنرهای تصویری هم که نهاد مجری و اهداکننده جوایز اسکار است، قرار گرفته و کاندیدای ۹ جایزه اسکار امسال شده و به همین سبب بر قدر و ارزش آن افزوده شده است. این تنها اقتباس سینمایی صورت گرفته از روی رمانی با همین نام نیست اما اقتباس جدید، که کار «ادوارد برگ» سینماگر آلمانی است، برجستگی‌ها و صراحت‌هایی در بازگویی قصه دارد که شاید در نسخه‌های قبلی وجود نداشته است. اریش ماریا رماکر،

پیگیری بی‌نتیجه‌اهدایی ایده‌الیستی

نسخه پرگزار روی این کتاب، نخستین نمایش بین‌المللی هنری خود را اواسط شهریورماه امسال در جشنواره پراعتبار تورنتوی کانادا پشت سر گذاشت و از ۲۶ مهرماه در اروپای غربی و از ۱۵ آذرماه در امریکا شمالی اکران عمومی شد. ضمن اینکه از ۱۱ آبان ماه در شبکه نتفلیکس قابل دانلود کردن

رمان کلاسیک «در جبهه غرب خبری نیست» را در واپسین سال‌های دهه ۱۹۲۰ نوشت و در سال ۱۹۲۹ روانه بازار کرد و قریب به ۱۰۰ سال بعد از آن تاریخ نسخهای که «ادوارد برگ» از روی آن ارائه کرده، به خاطر صراحت لهجه‌اش و وفاداری وسیع آن به اصل متن، مورد ستایش بیش از پیش منتقدان قرار گرفته است. پیام صریح این رمان که در فیلم برگ‌هم جلوه‌ای آشکار دارد، پیامی ضد جنگ و لزوم پرهیز از آن در هر عصر و مکانی و رویکرد به طرق دیگر برای حل منازعات بشری است.



و زنده ماندن در این بزرگه سرشار از بیرحمی است.

فقط عناد و بدکرداری

به واقع پیام رماکر در مقام یک رمان نویس و توصیه برگر به عنوان سینماگری که این داستان واقعبیت‌گرای تکان‌دهنده را به یک فیلم برگردانده، این است که در

غرب و در آیین آنها، چه سنن جنگی و چه عرف و عادات زمان صلح، هرگز به‌دنبال مرام‌هایی همچون عدالت و انصاف نگردید زیرا وجود خارجی ندارند. به این ترتیب همسو با عنوان این داستان هیچ خبری در جبهه غرب دست‌کم در زمینه رفت و مهر و محبت انسانی و نیک‌منشی‌های اجتماعی نیست و هر چه در آنجا هست، بیوی عناد و ناجوانمردی و بدکرداری را می‌دهد که نقطه اوج آن در جنگ‌افروزی و گرفتن جان هزاران انسان در راه کسب منافع شخصی و رسیدن به فتوحات سیاسی هر چه بیشتر است.

نظر مثبت منتقدان

اگرچه هر اثری را که بر اساس انتخاب هنرپیشه‌های این فیلم ارزیابی کنند اما باید متذکر بود که کار تازه ادوارد برگ‌ر در روز ۲۲ آذر در توزیع جویز فیلم‌های برترسال اروپا که آن را اسکارهای اروپایی هم نامیده‌اند، برنده دو جایزه شد که البته نه در

قسمت‌های موضوعی و کیفی بلکه در بخش‌های فنی بود. این دو جایزه در قسمت‌های بهترین کریم و چهره‌آرایی و بهترین افکت‌های بصری بودند. سایت‌ها و نشریات مهم سینمایی دیدی مثبت به این فیلم داشته و بر کیفیت و محتوای موضوعی آن هم مهر تأیید زده‌اند. سایت متا کری تیک با رجوع به آرای ۴۰ منتقد نام‌آشنا از حداکثر نمره ۱۰ امتیاز ۷٫۸ را به این فیلم داده و راتن تومیتوز دیگر سایت متخصص ارزشگذاری روی فیلم‌ها با استناد به نظرات ۱۱۵ منتقد آمریکایی و اروپایی یک بیلان تأییدآمیز ۸۷ درصدی را شایسته این فیلم دانسته است. بن کینگز برگ یکی از سینمایی نویسان روزنامه نیویورک تأییز هم با تأکید بر اینکه نسخه سال ۱۹۳۰ این فیلم بسیار بهتر از نسخه جدید آن است، موسیقی متن تکان‌دهنده این رسیون را که کار فولکر برتلمن آلمانی است، ستوده و آن را نقطه قوت اصلی این فیلم دانسته است.